

مبانی و اصول تربیتی در روابط زن و شوهر از منظر قرآن و حدیث

دکتر علی نقی فقیهی

استادیار دانشگاه قم

چکیده

طرز تلقی همانندی انسان و حیوان در غریزه جنسی و فقدان بینش و حیانی در نظام تربیتی در جوامع بشری امروز، از مهمترین عواملی است که بنیان خانواده را متزلزل کرده و اخلاق اجتماعی را آسیب زده و سلامت روانی بشر را با مشکل جدی روبه رو ساخته است. آگاهی از مبانی و اصول تربیتی در روابط زن و شوهر از دیدگاه و حیانی زمینه ساز تصحیح نگرش‌ها، رشد تربیت اخلاق اجتماعی و ارتقای سلامت روانی خانواده‌ها خواهد بود. میل جنسی، زیبادوستی، تمایل به معنویت و فضیلت، گرایش به محبت و انس از جمله این مبانی است که از هر یک تعدادی اصول تربیتی استنباط می‌گردد.

هدف این مقاله تبیین این مبانی فطری و اصول کشف شده از آنهاست که در قرآن و حدیث به آن پرداخته شده است.

روش این مقاله نیز روش هرمنوتیک و تفسیر و تحلیل متون آیات و احادیث معصومان(ع) است. یافته‌های این تحقیق شامل دوازده اصل تربیتی است که در نظام تربیت جنسی از دیدگاه اسلام، محور است و لازم است در آموزش و پرورش دختران و پسران نوجوان و جوان مورد توجه قرار گیرند و شناخت و باور و عواطف و احساسات و اخلاق و رفتار مربی و مربی براساس آنها سامان پذیرد.

واژه‌های کلیدی

مبانی تربیت جنسی، اصول تربیت جنسی، دیدگاه و حیانی در تربیت جنسی، تربیت جنسی و ارتقای سلامت روانی.

مقدمه

بشر با همه پیشرفت در علوم، صنایع و تکنولوژی، گرفتار بحران و نابسامانی‌های فراوانی در زمینه تعلیم و تربیت و به‌ویژه در آموزش و تربیت جنسی است. نداشتن جهان‌بینی صحیح و فقدان نظام تربیتی مبتنی بر مبنای نظری و حیوانی و دید صرفاً مادی و فیزیولوژیکی به تربیت جنسی و غفلت از جنبه‌های روانی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی آن، باعث شده است که بشر در این بحران، همچنان غوطه‌ور باشد و نه تنها پیشرفت نکند، بلکه تنزل نیز یابد.

در تربیت جنسی همانند کل تعلیم و تربیت به ارائه یک بینش کلی حاکم بر همه رفتارها و بایدها و نبایدهای آموزشی و تربیتی مورد مطالعه نیاز است؛ به گونه‌ای که بین آنها، نوعی ارتباط، انسجام، نظم و هماهنگی ایجاد کند. این بینش بنا به ماهیت خود، از منشأیی فراتر از تجربه و دید صرفاً مادی سرچشمه می‌گیرد، زیرا تجربه اساساً جزءنگر است، ولی بینش باید کل‌نگر باشد و از مقام و نقطه‌ای بالاتر و بالاتر بر انسان، رفتارها، آموزش‌ها و تربیت‌های او نظاره کند. این خلأیی است که در تعلیم و تربیت امروز احساس می‌شود و باید با روی آوردن به وحی و با اتکای به بینش کلی برگرفته از آن، به نظامی نو در تعلیم و تربیت، به‌ویژه در تربیت جنسی دختران و پسران دست یافت.

از سوی دیگر امروزه در تربیت، گرچه بر پرورش استعدادهای طبیعی انسانی تأکید می‌شود و در تربیت جنسی گفته می‌شود باید استعداد و غریزه جنسی شکوفا شود؛ ولی غریزه جنسی انسان همانند غریزه جنسی حیوان تلقی گردیده و تربیت جنسی آدمی هم به معنای رهایی از هرگونه جهت‌دهی و نظام‌بخشی به آن تفسیر شده و باعث گردیده تا جهت‌دهی غریزه جنسی در قالب ضوابط اجتماعی، عفت، تقوا، روابط انسانی و اخلاقی، منافی با آزادی و آرامش روحی افراد دانسته شود و عامل بسیاری از بیماری‌های روانی، از جمله کینه‌ها و عداوت‌ها تلقی گردد. درحالی که به عکس، این‌گونه تفسیر از پرورش غریزه جنسی و درحقیقت منضبط تربیت نکردن استعدادهای بشری باعث شده است شهوت‌پرستی، بی‌بندوباری اخلاقی،

شانه خالی کردن بسیاری از جوان‌ها از تشکیل خانواده، بروز امیال کاذب بین دختران و پسران، افزایش آشفتگی روحی در بین زنان و مردان، جامعه بشری را فراگیرد.

دلیل این تجربه ناموفق بشر نیز فاصله گرفتن از تعلیمات و حیانی و تکیه بر برخی از نظریه‌های مبتنی بر هواهای نفسانی است. بازگشت به تعلیمات روان‌شناختی و حیانی از آدمی و دستیابی به کیفیت استعداد‌های مختلف انسانی و روابط این استعدادها و پی بردن به مبانی و اصول تربیت جنسی که از متون دینی گرفته شده، می‌تواند بشر را در پرورش استعداد‌های جنسی طبیعی کمک نماید تا شاهد آن عوارض نباشد بلکه اهداف عالی تربیت جنسی انسان تحقق یابد. در این مقاله مبانی و اصول تربیتی در روابط زن و شوهر از دیدگاه احادیث معصومان(ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی و اصول و رابطه آنها

پیش از ورود به بحث، برای وحدت‌نظر، تعریفی از مبانی و اصول تربیت جنسی ارائه می‌شود. منظور از مبانی تربیت جنسی، ویژگی‌های طبیعی‌شناختی و گرایشی است که در انسان‌ها به صورت واقعی وجود دارد و منشأ و مبنای ادراکات، امیال، کشش‌ها، صفات و فعالیت‌های مربوط به جنس مذکر و مؤنث می‌باشند. به عبارت دیگر مبانی تربیت جنسی، هستی‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های انسان است که امیال، خواسته‌ها و عملکردهای جنسی از آنها پدید می‌آیند.

منظور از اصول قواعد و دستورالعمل‌های نسبتاً کلی است که پذیرفتن و به کار بستن آنها، فرد را برمی‌انگیزد تا در راستای هدف عالی قرب، خواسته‌ها و فعالیت‌های جنسی خویش، همسر و فرزندان و متریان را سامان دهد و طریقه‌ای در نیازها، امیال و عملکردهای جنسی اتخاذ نماید که او را به خدا نزدیک کند و به رضوان الهی برساند.

رابطه مبانی و اصول

در متون دینی، مبانی منشأ اصول و اصول برگرفته شده از مبانی اند. قواعدی می‌توانند اصول تربیت جنسی باشند که از مبانی و واقعیت عینی وجود انسان و آنچه در ارتباط با اوست سرچشمه گرفته باشند. واقعیت خود انسان و ویژگی‌ها و ابعاد وجودی وی، حیات مادی و معنوی‌اش و ارتباط او با خدا و افراد دیگر و موجودات، همه، مبانی‌ای هستند که با تحلیل آنها اصول اکتشاف می‌شوند. انسان در واقعیت عینی خود دارای جنبه‌های روانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، الهی و... است که هر کدام می‌توانند منشأ اصل یا اصول تربیتی و از جمله اصول تربیت جنسی باشند.

رابطه اصول با مبانی رابطه بایدها با هست‌ها است. هر اصل تربیت باید و نبایدی است که حداقل از یک خصوصیت طبیعی آدمی سرچشمه می‌گیرد؛ درحقیقت چگونگی آفرینش انسان حاکی از آن است که وی به عنوان مربی و یا مربی، چه باید انجام دهد و یا نباید انجام دهد. به عنوان مثال، وجود میل به کمال ابدی حاکی از آن است که باید هدفی کمالی و واقعی را بشناسد و آن را دنبال کند و نباید در مسیر هدفی خیالی و یا تنازلی گام بردارد. همچنین از آن جهت که آن ویژگی فطری در آدمی محدود و موقتی نیست باید به سعادت ابدی و نامحدود بیندیشد و برای آن تلاش کند و نباید در مرتبه‌ای متوقف شود و دست از تلاش بردارد، بلکه به هر مرتبه‌ای که رسید، برای نیل به مراتب بالاتر کوشش نماید تا به درجات عالی‌ه کمالی و پیامدهای بهشتی آن نائل گردد.

این ویژگی فطری در خصوص زن و شوهر حکایت از آن دارد که هریک از آنها باید به خوبی‌ها بیندیشند و روابط و عملکردهای خودشان را به گونه‌ای تنظیم نمایند که به آنچه مسیر کمال و خوشبختی جاوید و نامحدود را تسهیل می‌کند، پردازند و از آن نوع روابط بد و عملکردهای زشت که مانع سعادت آنهاست، پرهیز کنند. بنابراین با شناسایی نوع روابط زناشویی الگوهای شایسته، باید در برقراری ارتباط حسنه و سعادت‌بخش با یکدیگر کوشش نمایند و از رفتارهایی چون

بی محبتی، بی اعتنائی، ناسزاگویی، تزییع حقوق همسر و اموری مانند آن دوری کنند.

اینک با توجه به مفهوم مبانی و اصول و رابطه بین آن دو، به پنج مبنا از مبانی تربیتی در روابط زن و شوهر و تعدادی اصول کشف شده از آنها که در متون حدیثی آمده است می پردازیم.

مبنای اول: وجود غریزه جنسی

از مبانی مهم تربیتی در روابط زن و مرد نیاز جنسی است که به صورت نیاز طبیعی در نهاد زن و مرد وجود دارد. در متون حدیثی بر طبیعی بودن این نیاز و نفی رذالت و پستی از آن تأکید شده است. به عنوان مثال، هنگامی که به حضرت پیامبر(ص) خبر رسید که عده‌ای از مسلمانان از زنان خود کناره‌گیری کرده‌اند و گوشه‌انزوا گزیده‌اند و به عبادت مشغول شده‌اند، آنها را مذمت و نکوهش کرده و فرمودند: آیا از زنان روگردان شده‌اید درحالی که من - که پیامبر شما هستم - از این امر روگردان نشده‌ام و روز غذا می‌خورم (همه روزها را روزه نمی‌گیرم) و شب می‌خوابم (تمام شب را به عبادت نمی‌گذارم)، پس هر کسی از سنت من روگردان شود، از من نیست. و بدین مناسبت، خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ نعمت‌های پاکیزه و حلالی را که خداوند به شما ارزانی داشته بر خود حرام نکنید، اما از چارچوب حلال نیز تجاوز نکنید که خداوند تجاوزگران را دوست ندارد (مائده، آیه ۸۷)». (علامه طباطبایی، ۱۳۹۲ق، ج ۶، ص ۱۱۸).

این رفتار رسول اعظم(ص) و آیه مرتبط با آن، حاکی از آن است که تمایل زن و مرد به یکدیگر امری طبیعی است و مانند تمایل انسان به خوردن و خوابیدن، به‌خودی‌خود، نکوهیده نیست؛ بلکه انسان همان‌طوری که باید از نعمت‌های خداوندی در مورد خوراکی‌ها استفاده کند و لذت ببرد، از غریزه جنسی نیز باید لذت ببرد و از سرکوب کردن آن خودداری نماید.

نکته قابل توجه این است که در مورد عمل جنسی مدح هم وجود دارد؛ زیرا عمل جنسی با دوست داشتن، انس و الفت و رابطه عاطفی آمیخته است و به نیازهای روانی دیگر نیز توجه می‌شود و تمایل به دیگرخواهی شکوفا می‌گردد. از این رو، امام رضا(ع) فرمود: «اگر درباره ازدواج آیتی محکم و سنتی پیروی شده از رسول خدا(ص) هم نبود، باز موضوع نیکی به خویشاوندان و مأنوس شدن با بیگانه که زمینه آن را خداوند به صورت طبیعی در انسان‌ها قرار داده است، انگیزه‌ای بود که خردمند صاحب‌دل به ازدواج رغبت کند و عاقل درست‌اندیش به آن بشتابد»^۱ (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۲۴۹-۲۲۴۸). همچنین رسول اکرم(ص) فرمود: «بنایی در اسلام نزد خدا محبوب‌تر و عزیزتر از ازدواج نیست»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲، ح ۴۰).

از این دو حدیث نیز به دست می‌آید که:

۱. رابطه جنسی یک رابطه طبیعی است. ۲. عمل جنسی نه تنها مورد مذمت واقع نمی‌شود و عملی پست و رذیله نیست، بلکه خردمندانه است. ۳. بنای روانی، عاطفی انسان با ازدواج و ارضای این غریزه طبیعی سامان می‌پذیرد و باعث خلق و خوی حسن و نیکو و روابط عاطفی و انسانی مطلوب می‌شود که همه محبوب خداوند متعال است. ۴. خردمندانه بودن ازدواج و محبوب بودن آن نزد خداوند به این علت است که ازدواج و ارتباط جنسی با احساسات عالی انسانی آمیخته است و زمینه‌ساز آن است که انسان عملاً به بسیاری از فضایل اخلاقی و روابط اجتماعی مناسب روی آورد. به نظر می‌رسد به همین علت است که امام صادق(ع) فرمودند: «کَلَّمَا أَزْدَادَ الْعَبْدِ فِي النِّسَاءِ حَبًّا أَزْدَادَ فِي الْإِيمَانِ فَضْلًا؛ هرچه علاقه بنده مؤمن به زنان بیشتر شود، ایمان او بیشتر می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۲۳۶).

۱. «لو لم تكن في المناكحة والمصاهرة آية محكمة ولا سنة متبعة، لكان فيما جعل الله فيها من برّ القريب و تألف البعيد، رغب فيه العاقل اللبيب و سارع إليها الموفق المصيب».

۲. «ما بنى بناء في الإسلام بناء أحب إلى الله عزّوجلّ و أعزّ من التزويج».

ح ۲۴)، و یا فرمودند: «من أخلاق الانبياء، حبّ النساء؛ مهرورزی به زنان از ویژگی‌های خُلُقِ پیامبران است» (طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۱۹۷).

این نوع توصیف از ازدواج و آمیزش جنسی در احادیث، حکایت از آن دارد که ارضای جنسی به هر صورت و بدون ضوابط مشخص، انسانی و خردمندانه نیست. بلکه منظور ازدواج زن و مرد با ضوابط مشخص است که آثار روان‌شناختی، عاطفی و اجتماعی، رفتاری و معنوی دارد. به همین جهت، حبّ زنان در غیر از چارچوب ازدواج مورد مذمت قرار گرفته و عوارض خطرناک آن از اختلالات روانی و فتنه‌های اخلاقی و اجتماعی، تبیین گردیده است.

امام علی (ع) فرمود: «منشأ فتنه‌ها سه چیز است: یکی علاقه به هر زن بدون ضابطه که آن شمشیر شیطان است...، کسی که به هر زنی علاقه‌مند گردد، از زندگی‌اش بهره‌ای نمی‌برد.»^۱ (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۵۵۰۲، ح ۱۸۶۵۱) و یا فرمود: «دل‌باختگی به هر زنی خصلت احمقان است»^۲ (همان، ۱۸۶۵۶).

از این دسته از احادیث بدست می‌آید که توجه به زنان، علاقه به آنها، دل‌مشغولی و ارضای جنسی با آنها در قالبی غیر از ازدواج، ساختار روانی آدمی را با مشکل روبه‌رو ساخته و ارتباط و رفتارها صرفاً حیوانی و احمقانه گردیده و آرامش روانی از وی سلب شده و تباهی اخلاقی را در خویش و جامعه موجب می‌شود. بنابراین غریزه جنسی براساس ضوابط انسانی و در قالب ازدواج، آثار مطلوب روانی، عاطفی و اجتماعی را دربردارد و نه ارضای غریزه به هر صورت که فروید مطرح کرده است.

اریک فروم در این زمینه می‌گوید: «اگر اشتیاق به وصل جنسی بر اثر عشق شعله‌ور نشود، اگر عشق زن و مرد در عین حال عشقی برادرانه نباشد، هرگز به

۱. «الفتن ثلاث: حبّ النساء و هو سيف الشيطان... فمن أحبّ النساء لم يتفجع بعيشه».

۲. «الاستهتار بالنساء شيمة النوكي».

پیوندی بیشتر از آنچه از پیوند گذرای عیاشی به دست می‌دهد، منتهی نمی‌شود. جاذبه جنسی برای مدت کوتاهی، پنداری از وصل خلق می‌کند، ولی این پیوند اگر با عشق نباشد، دو بیگانه را به اندازه قبل از آشنایی جدا نگه می‌دارد... احساس لطیف به هیچ وجه آن طور که فروید معتقد بود، والایش غریزه جنسی نیست، بلکه نتیجه مستقیم عشق برادرانه است، که هم در عشق‌های جسمی و هم در عشق‌های غیرجسمی وجود دارد» (فروم، ترجمه پوری سلطانی، ۱۳۸۳، ص ۷۳).

در حدیث دیگری ضمن توجه به طبیعی و فطری بودن تمایل جنسی، تداوم نسل بشر، آرامش روانی و تعالی اخلاقی و معنوی از آثار آن دانسته شده است. پیامبر اکرم (ص) به یکی از اصحاب که جوانی مجرد بود، فرمودند: «یا جویر: لو تزوجت امرأة فعففت بها فرجک و أعانتک علی دنیاک و آخرتک؛ ای جویر! ای کاش ازدواج می‌کردی تا عفت خود را حفظ کنی و کمک تو در امر دین و دنیا تو باشد». (حرّ عاملی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۴، ص ۱۴).

امام صادق (ع) با توجه به اینکه ارضای جنسی، ارضای صرف یک نیاز فیزیولوژیکی نیست؛ بلکه با جنبه‌های روانی و معنوی آدمی هم مرتبط است، می‌فرماید: «ما تلذذ الناس فی الدنيا و الآخرة بلذّة أكثر من لذّة النساء و هو قول الله عزوجل: زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین...؛ ثم قال: و إن أهل الجنة ما يتلذذون بشيء من الجنة أشهى عندهم من النکاح لاطعام و لاشراب؛ هیچ لذتی برای مردم در دنیا و آخرت بیشتر از لذت زن نیست و این معنی سخن خداوند است که فرمود علاقه، محبت و تمایل به زن و اولاد برای مردم زینت داده شده... سپس امام فرمودند: اهل بهشت از هیچ چیزی به اندازه آمیزش لذت نمی‌برند، نه غذا و نه نوشیدنی» (همان، ج ۲۰، ص ۲۳).

علت اینکه لذت جنسی بالاتر از تمام لذت‌هاست، نه به دلیل این است که ارضای یک غریزه است؛ زیرا غذا خوردن و نوشیدن آشامیدنی‌های گوارا هم ارضای غریزه هستند ولی لذت آنها در حد لذت غریزه جنسی نیست. لذت بالای غریزه جنسی به دلیل آن است که اولاً: مستلزم پیوند با جنس مخالف است؛ و ثانیاً:

در ارتباط با نیازهای فطری و طبیعی دیگری مانند نیاز به محبت، انس و زیبادوستی است؛ ثالثاً: با عاطفه و محبت و اتصال روحی همراه است؛ در نتیجه لذت حاصل از آن از هر لذت دیگری بیشتر و برتر است.

بنابراین مجموعه‌ای از نیازها، احساس‌ها و عواطف هستند که مرتبط با هم، غریزه طبیعی جنسی انسان را تشکیل می‌دهند و وقتی گفته می‌شود غریزه جنسی یکی از مبانی تربیت جنسی است، منظور ساختار واحدی است که مجموعه‌ای مرتبط با هم آن را شکل داده‌اند و در کشف اصول تربیت جنسی این مبنا مورد توجه است و از این رو، می‌توان گفت ساختار غریزه جنسی در آدمی با حیوان متفاوت است و تمام آثار روانی، اخلاقی، معنوی، که در ارضای غریزه جنسی آدمی وجود دارد، در ارضای غریزه جنسی حیوانات وجود ندارد.

از جمله آیاتی که به این ساختار طبیعی پرداخته، آیه ۲۱ سوره روم است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ از نشانه‌های خداوند متعال این است که او برای شما از خودتان جفت‌هایی آفرید تا بدان‌ها آرامش یابید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد، همانا در اینها نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند.

در این آیه به چند نکته پرداخته شده است: ۱. از اهداف آفرینش زن و مرد رسیدن به آرامشی است که این دو در ارتباط با هم خواهند بود؛ ۲. هریک از زن و مرد با ویژگی‌های جسمی و روانی خاصی پدید آمده‌اند که بدون ارتباط با هم، آرامش تحقق نمی‌یابد؛ ۳. هریک از مرد و زن به‌گونه‌ای آفریده شده‌اند که به یکدیگر نیازمندند و برای رفع نیاز خود به دیگری متمایل می‌باشند؛ ۴. تلاش برای رفع نیازهای فیزیولوژیکی و روانی عاطفی با ابراز محبت و مهربانی زن و مرد به یکدیگر همراه است؛ ۵. خداوند این توانمندی ابراز محبت و مهربانی هریک از زوجین را در اصل آفرینش قرار داده است؛ ۶. با مطالعه و بررسی اندیشمندانه ابعاد وجودی هریک از زن و مرد و احساس نیازی که به یکدیگر دارند و اهدافی که خداوند از آفرینش این دو در رشد و تعالی روانی، عاطفی، اخلاقی و زندگی

اجتماعی و بقای نسل دارد، می‌توان به تدبیر حکیمانهٔ پروردگار در این زمینه پی برد.

از مجموعه نکات برداشت شده از آیه، بدست می‌آید که آنچه به عنوان غریزهٔ جنسی در زن و مرد وجود دارد، صرف تمایل برای اتصال جسمی و ارضای یک غریزهٔ فیزیولوژیکی نیست، بلکه ساختاری طبیعی متشکل از مجموعه‌ای از نیازها، احساس‌ها و توانمندی‌ها و ویژگی‌های بدنی و روانی است که آثار روانی، عاطفی، اخلاقی، معنوی و اجتماعی فراوان دربردارد. مرتب شدن این آثار بر غریزهٔ جنسی، دلیل آن است که ساختار غریزهٔ جنسی و نه صرف جنبهٔ فیزیولوژیکی آن، از مبانی تربیت جنسی است و با توجه به این ساختار، باید به پرورش نیازها، احساس‌ها و توانمندی‌های روانی دختر و پسر، در جهت تحقق این اهداف کوشش کرد.

اصول مرتبط با مبنای وجود غریزهٔ جنسی

در زیر به چند اصل مهم اشاره می‌شود:

۱. رشد احساس طبیعی بودن نیاز جنسی

با توجه به اینکه غریزهٔ جنسی در طبیعت انسان سرشته شده است، احساس علاقهٔ جنسی، نیاز به ارضاء و توجه به جنس مخالف نیز باید طبیعی تلقی شود و به هیچ‌وجه پلید، زشت و شرّ دانسته نشود، بلکه خیر، سنّت پیامبر(ص)، خلق و خوی انبیاء و نشانهٔ تدبیر حکیمانهٔ پروردگار دانسته شود. از این رو لازم است از دیدگاه اسلامی در تربیت جنسی، طبیعی بودن این غریزه و خلق و خوی انبیاء بودن، ارضای آن و خدادادی بودن علاقهٔ دو همسر و سنّت بودن ازدواج، آموزش داده شود تا افراد با این احساس و علاقه به صورت طبیعی رشد نمایند و البته در رشد این احساس و علاقه نباید در آن حدّ افراط شود که ضوابط و چارچوب‌های ابراز علاقه‌ها و احساس‌ها نادیده گرفته شود و یا تلقی شود که سلامت روانی افراد در آزادی بدون ضابطهٔ ارضای این غریزه است. مرحوم شهید مرتضی مطهری با تبیین نظر اسلام در برابر بعضی از آیین‌ها می‌نویسد: «برای ما مسلمانان که علاقهٔ دو

همسر را به یکدیگر یکی از نشانه‌های بارز وجود خداوند می‌دانیم^۱ و نکاح را سنت و تجرد را یک نوع شرّ حساب می‌کنیم، هنگامی که می‌خوانیم یا می‌شنویم، بعضی از آیین‌ها علاقه جنسی را ذاتاً پلید و آمیزش جنسی را، ولو با همسر شرعی و قانونی، موجب تباهی و سقوط معنویت آدمی می‌دانند، دچار تعجب می‌شویم. از نظر اسلام، علاقه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد، بلکه جزء خوی و خلق انبیاست و در حدیثی می‌خوانیم: «من اخلاق الانبیاء حب النساء» (طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۱۹۷)؛ رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) طبق آثار و روایات فراوان که رسیده است، محبت و علاقه خود را به زن در کمال صراحت اظهار می‌کردند (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۹-۱۲).

۲. ضرورت ارضای نیاز جنسی

با توجه به طبیعی بودن تمایل و علاقه جنسی، باید به ارضای این نیاز جنسی توجه شود و نه تنها از ظهور آن در سطح هوشیاری جلوگیری نشود، بلکه درصدد فراهم‌سازی شرایط ارضای آن برآید، زیرا سرکوب کردن غریزه جنسی بیماری‌های روانی و یا انحرافات جنسی را به دنبال دارد؛ از این رو، اسلام در زمینه ارضای جنسی، در برابر عبادت پروردگار، نه تنها تشویق به عبادت افراطی نمی‌کند، بلکه نهی می‌کند و به ارضای جنسی تشویق می‌کند. (همان، ص ۱۴-۱۳).

یکی از اصحاب رسول اکرم (ص) به نام عثمان بن مظعون کار عبادت را به جایی رسانید که همه روزها روزه می‌گرفت و همه شب تا صبح به نماز می‌پرداخت. همسر وی جریان را به اطلاع رسول اکرم (ص) رسانید. رسول اکرم (ص) در حالی که آثار خشم از چهره‌اش هویدا بود، از جا حرکت کرد و نزد عثمان بن مظعون رفت و به او فرمود: «ای عثمان! بدان که خدا مرا برای رهبانیت نفرستاده است؛

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ یکی از نشانه‌های او این است که از خود شما برای شما همسر آفرید تا با او آرام گیرید و میان شما مهر و محبت قرار داد» (سوره روم، آیه ۲۱).

شریعت من، شریعت فطری آسانی است. من شخصاً نماز می‌خوانم و روزه می‌گیرم و با همسر خود نیز آمیزش می‌کنم. هر کس می‌خواهد از دین من پیروی کند، باید سنت مرا بپذیرد. ازدواج و آمیزش زن و مرد با یکدیگر جزء سنت‌های من است» (کلینی، بی تا، ج ۵، ص ۵۰۸، ح ۷).

از این رو، اسلام تأکید فراوانی بر توجه زن و شوهر به ارضای نیازهای یکدیگر دارد تا به سمت انحراف یا بیماری کشیده نشوند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «إذا خالط الرجل أهله فلا ينزو نزو الديك و ليثبت على بطنها تصيب من مثل الذی أصاب منها؛ هنگامی که مرد با همسرش آمیزش می‌کند، نباید مثل خروس خیلی سریع عمل کند؛ بلکه باید این کار را ادامه دهد تا وقتی که زن هم مانند مرد ارضاء شود»^۱ (أبی شجاع دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۵۱۲، ح ۸۶۵۳).

۳. ضابطه‌مندی روابط جنسی

طبیعی تلقی کردن غریزه جنسی و لزوم ارضای آن از یک سو و ساختار جنسی آدمی و جنبه‌های مرتبط با آن و آثار روانی و بقای نسل که بر آن مترتب است، از سوی دیگر موجب آن است که ارضای این غریزه فقط از طریق ازدواج زن و مرد باشد و صورت‌های مختلف ارضاء از خودارضایی یا همجنس‌بازی یا روابط جنسی آزاد و مانند آن طبیعی نمی‌باشند. به عبارت دیگر، آنچه به عنوان یک ویژگی واقعی در وجود آدمی از غریزه جنسی در احادیث منعکس گردیده با احساس الفت و رابطه

۱. در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «يجب على الرجل لإمراته ما يجب له عليها أن يتزين لها كما تتزين في غيرمأثم؛ آنچه بر زن واجب است از زینت دادن خود برای شوهرش، بر مرد نیز واجب است که خود را برای همسرش تا حدی که حرام نیست زینت دهد» (فیض کاشانی، ۱۳۳۹ق، ج ۳، ص ۱۱۰) و نیز رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «ثلاث من العجز فی الرجل... و الثالث أن يقارب الرجل جاريتها فیصیبها قبل إن یحادثها و يؤانسها و یضاجعها فیقضی حاجته منها قبل أن تقضی حاجتها منه؛ سه چیز نشانه عجز و ناتوانی مرد است... و سوم اینکه مرد با همسرش نزدیکی کند قبل از اینکه با او حرف بزند و او را نوازش و ملاطفت کند و قبل از اینکه همسرش ارضاء شود، او ارضاء شود. بنابراین افراد باید به نیازهای جنسی همسران خود توجه کنند، همان‌طور که به ارضای نیازهای خود توجه می‌کنند» (همان).

عاطفی آمیخته است، به گونه‌ای که آرامش روانی، رشد اخلاقی و معنوی و تداوم نسل را به همراه دارد و این خصوصیات و پیامدها جز در ارتباط جنسی ضابطه‌مند زن و مرد تحقق نمی‌یابد. به همین دلیل در نظام تربیت جنسی از دیدگاه اسلام ضابطه‌مندی روابط جنسی به عنوان یک اصل مهم تربیتی در روابط زن و مرد مطرح گردیده است و غیر از ازدواج قانونی زن و مرد، ارضاهای دیگر، همه انحراف جنسی تلقی شده است و تأکید گردیده که پرورش افراد باید به گونه‌ای باشد که راه طبیعی ارضاء را برگزینند تا به بیماری‌های روانی و انحرافات جنسی دچار نشوند و از آثار مطلوب روانی، اخلاقی و اجتماعی آن برخوردار شوند.

۴. پرهیز از افراط و تفریط در ارضای غریزه جنسی

براساس وجود غریزه جنسی و ارضای طبیعی آن و پرهیز از سرکوب آن، از ارضای افراطی این غریزه نیز باید پرهیز شود. در احادیث و سخنان معصومین (ع)، همان‌طور که بر اهمیت ارضای غریزه جنسی و نکوهش از بی‌توجهی به آن شده، در مورد افراط در آن نیز نهی شده است. پیامبر اکرم (ص) با توجه به اینکه طبیعت حد متوسط را می‌طلبد و افراط زیان‌آور است، فرمودند: «من اراد البقاء... ولیقلل مجامعه النساء؛ کسی که خواستار عمر طولانی است، چند مسأله را باید رعایت کند که یکی از آنها، کم آمیزش کردن با زنان است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۲۳) و هنگامی که از حضرت علی (ع) در مورد آمیزش و جماع می‌پرسند، ایشان پاسخ می‌دهند: «...الاصرار علیه هرم...؛ زیاده‌روی در آمیزش باعث فرسودگی و پیری است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۲۸۶، ح ۱۴ و ۱۵). در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده است که ایشان فرمودند: «إیساك و كثرة الوله بالنساء و الإغراء باللذات الدنيا، فإن الوله بالنساء ممتحن والغری باللذات ممتهن؛ از شیفتگی زیاد به زنان و غرق شدن در لذات دنیا خودداری کن، زیرا که شیفتگی به زنان باعث محنت است و غرق شدن در لذات انسان را خوار می‌کند. (آمدی، ۱۳۳۷، ش ۴۹۴۳).

لازم است توجه شود که در برابر این احادیث، احادیث دیگری در منابع حدیثی ما وجود دارد که چه بسا تصور می‌شود که از نظر محتوا با احادیث فوق در تضاد است، زیرا در آن احادیث کثرة الطروقه از اخلاق انبیاء شمرده شده و یا توصیه به آن گردیده است و کثرة الطرقة به معنی کثرت نزدیکی است.^۱ به نظر می‌رسد مفهوم کثرة الطرقة به معنی نزدیکی کردن نیست، بلکه به معنی زیاد زن داشتن و سرپرستی زنان متعددی را به عهده داشتن است؛ زیرا در بیان علامه مجلسی آمده است که: کثرة الطرقة بفتح الطاء من قولهم: طروقة الفحل ای أنثاه، فالمراد کثرة الازدواج. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵، ص ۵، ح ۹).

مؤید این معنی حدیثی است از امام صادق (ع) که فرمود: «إن ملكاً كان على عهد يحيى بن زكريا (ع) لم يكفه ما كان من الطروقة حتى تناول امرأة بغياً...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۱۸۰، ح ۲۰)؛ که در این حدیث تصریح شده که آن پادشاه به طروقه‌ها و زنانی که داشت، بسنده نمی‌کرد، دنبال این بود که با زنان دیگری ازدواج کند؛ بنابراین کثرة الطرقة اصلاً به مفهوم زیاد نزدیکی کردن نیست تا توصیه به افراط در این زمینه شده باشد. در نهایت لازم است به این نکته توجه شود که اولیای دین، براساس اینکه توصیه‌هایشان حکیمانه است و هماهنگ با طبیعت و فطرت آدمی است، هرگز به افراط در آمیزش توصیه نمی‌کنند، همان‌طور که به تفریط توصیه نمی‌نمایند. بنابراین، در تربیت جنسی از دیدگاه اسلامی باید به پرهیز از افراط و تفریط در ارضای غریزه جنسی به عنوان یک اصل مهم توجه شود.

مبنای دوم: تمایل به معنویت و فضیلت دوستی

از جمله مبانی تربیتی در روابط زن و شوهر تمایل فطری به معنویت است که هر

۱. از امام رضا (ع) نقل شده است که فرمود: «من أخلاق الانبياء: التنظيف والتطيب وحلق الشعر وكثرة الطرقة» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۶۶، ح ۱۳)، و یا فرموده است: «ثلاث من سنن المرسلين العطر و احفاء الشعر وكثرة الطروقة». (همان، ج ۷۸، ص ۳۳۵، ح ۵).

فردی از افراد بشر چه زن و چه مرد، آن را در وجودش احساس می‌کند و بر این اساس است که به خدا و کمالات اخلاقی گرایش دارد و در این مسیر توانمندی‌های دیگری را نیز به کار می‌گیرد و از جمله توانمندی‌های زن و مرد ساختار جنسی آنهاست که جنبه‌های روانی، عاطفی و معنوی آن زمینه شکوفایی این تمایل فطری را تقویت می‌کند و فرد را از خودخواهی به دیگرخواهی، ایثار و فداکاری برای دیگری می‌کشاند و به همین جهت هدف غایی در تربیت جنسی، همان تحقق بخشیدن به هویت معنوی انسان و پرورش صفات کمالی اخلاقی است که هویتی خداگونه است و مآل آن قرب الی الله است.

آیات و احادیث فراوانی دلالت دارند بر اینکه انسان‌ها فطرتاً متمایل به معنویت و فضیلت دوستی هستند. این تمایل به معنویت، خداجویی، دین‌داری، تقوا و فضیلت دوستی را خداوند در نهاد و فطرت انسان‌ها قرار داده است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ با تمام وجودت به معنویت و دین روی آور، به آن فطرتی که خداوند، مردم را با آن سرشته است و خلقت خداوند تغییرناپذیر است. این است همان دین استوار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» (روم، آیه ۳۰).

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که انسان‌ها ذاتاً متمایل به دین‌داری، معنویت و فضیلت هستند؛ ولی این امر نیاز به پرورش دارد و بدون پرورش آن نه تنها رشد نمی‌کنند، چه بسا در جهت معکوس هم سیر می‌کنند؛ لذا خداوند در قرآن سفارش می‌کند که خود و خانواده خود را از آتش جهنم که سوخت آن مردم و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید.^۱

و پیامبر(ص) نیز در مورد میل انسان به نیکی می‌فرماید: «لولا أن الشياطين يحومون على قلوب بني آدم لنظروا إلى الملكوت؛ اگر شیاطین بر اطراف دل‌های

۱. «... فَوَا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (سوره تحریم، آیه ۶).

فرزندان آدم نمی چرخیدند، آنها به ملکوت نگاه می کردند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۵۹). این روایت دال بر این است که انسان‌ها فطرتاً مایل به معنویت هستند ولی شرایطی که پیش می‌آید ممکن است آنها را از رسیدن به ملکوت منع کند.

در روند تربیت جنسی باید میل طبیعی زن و مرد به معنویت، مبنا قرار گیرد و مترئیان باید طوری تربیت شوند که غریزه جنسی آنان به سمت آن میل فطری سوق داده شود و در مراحل از این میل فطری برای کنترل و ضابطه‌مند کردن آن غریزه استفاده گردد و پس از ازدواج، زن و شوهر یکدیگر را در رسیدن به قلّه معنویات کمک نمایند و نردبانی برای ترقی به بالاترین درجات انسانیت باشند و تصور نکنند که هدف از ازدواج فقط ارضای نیازهای جنسی است، بلکه این امر را نیز وسیله‌ای برای صعود معنوی و اخلاقی خود قرار دهند. بنابراین یکی از زیربنایی‌ترین بناهای تربیت جنسی در اسلام میل انسان به معنویت است و افراد باید به گونه‌ای تربیت شوند که بُعد معنوی در جریان تربیت جنسی آنان تقویت شود و غریزه جنسی ایزاری در جهت شکوفاسازی آن مبنای تمایل به معنویت قرار گیرد.

اصول مرتبط با مبنای دوم

با توجه به تمایل فطری زن و مرد به معنویات و سیر تکاملی به سوی قرب الی الله و تأثیر آن بر روند روابط آنها، قواعد و اصول تربیتی زیر در احادیث مورد تأکید قرار گرفته است.

۵. اصل لزوم انتخاب همسر شایسته و متدین

مبنا قرار دادن تمایل به معنویت به این است که آنچه در به فعلیت رساندن این میل فطری مؤثر است، به کار گرفته شود و انتخاب همسر شایسته برای زندگی در به فعلیت رساندن آن میل معنوی تأثیر فراوانی دارد؛ بنابراین فرد نباید هر کسی را با هر شرایطی به همسری برگزیند، بلکه لازم است شایستگی اعتقادی، اخلاقی و عملکردی او مطمئن نظر باشد.

رسول الله (ص) فرمود: «إذا جاءكم من ترضون دينه و امانته يخطب (الیکم)

فزوجوه، إن لاتفعلوه تكن فتنة فی الارض و فسادٌ كبير؛ هرگاه کسی به خواستگاری شما آمد و دینداری و امانتداری او را پسندیدید، به او زن دهید که اگر چنین نکنید، در روی زمین تبهکاری و فساد بسیار پدید خواهد آمد» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۵، ح ۷۸۳۷).

امام حسن (ع) به مردی که در مورد ازدواج دخترش با امام مشورت کرد، فرمود: «زوجه من رجل تقی، فإنه إن احبها و إن أبغضها لم یظلمها؛ او را به مردی با تقوا شوهر ده؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد، گرامی اش می دارد و اگر ناراحتی پیش آید به وی ستم نمی کند.»^۱ (همان، ح ۷۸۳۹).

۱. همچنین رسول الله (ص) فرمود: «من تزوج امرأة لا یتزوجها ألاً لجمالها لم یرفها ما یحب، و من تزوجها لمالها لا یتزوجها ألاً وکله الله الیه، فعلیکم بذات الدین؛ هرکه با زنی به خاطر زیبایی اش ازدواج کند، دلخواه خود را در او نبیند و هرکه با زنی به خاطر مال و ثروتش ازدواج کند، خداوند او را به همان مال و ثروت واگذارد، پس بر شما باد به ازدواج با زنان متدین» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۵). و نیز امام باقر (ع) فرمود: «أتی رجل رسول الله (ص) یستأمره فی النکاح، فقال: نعم انکح، و علیک بذوات الدین تربت یداک؛ مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و در امر ازدواج از آن حضرت کسب تکلیف و اجازه کرد» (همان، ح ۷۸۳۲). حضرت فرمود: آری ازدواج کن و بر تو باد به زنان متدین، خدا خیرت دهد و رسول الله (ص) نیز فرمود: «لاتزوج النساء لحسنهن، فعی حسنهن أن یردیهن ولا تزوجهن لأموالهن أن تطغیهن ولكن تزوجهن علی الدین؛ با زنان به خاطر زیبایی شان ازدواج نکنید، زیرا ای بسا که زیبایی آنها موجب تباهی و هلاک شان شود؛ برای مال و ثروت نیز با آنان ازدواج نکنید؛ زیرا چه بسا که مال و ثروتشان آنها را به سرکشی و طغیان وادارد، بلکه براساس دینداری با آنها ازدواج کنید» (همان، ح ۷۸۳۳). و نیز آن حضرت فرمود: «لا یختار حسن وجه المرأة علی حسن دینها؛ نباید حسن صورت زن را بر حسن دینداری او برگزید» (همان، ح ۷۸۳۵). همچنین فرمود: «تنکح المرأة علی أربع خصال: علی مالها، و علی دینها و علی جمالها و علی حسبها و نسبها، فعلیکم بذات الدین؛ با زن به خاطر چهار چیز ازدواج می شود: مال و ثروتش، زیبایی اش، دینداریش و اصل و نسب و خانواده اش و تو با زنان متدین ازدواج کن.» (همان، ح ۷۸۳۶) و امام صادق (ع) فرمود: «تزوجوا فی الشکاک و لاتزوجوهم، لأن المرأة تأخذ من أدب الرجل و یقهرها علی دینه؛ از خانواده ای که (در حقانیت شما) تردید دارند، زن بگیری، ولی به آنها زن ندهید؛ زیرا زن، تربیت و خلق و خوی مرد را به خود می گیرد و مرد او را تحت تأثیر دین خود قرار می دهد.» (همان، ح ۷۸۵۶). همچنین پیامبر (ص) می فرماید: «من أعطی أربع خصال فی الدنيا فقد أعطی خیر الدنيا و الآخرة و فاز بحظها منهما... و زوجة صالحة تعینه علی امر الدنيا و الآخرة؛ هر فردی که چهار ویژگی دارد به او خیر دنیا و آخرت داده می شود و بهره دنیا و آخرت را به دست می آورد... یکی از آنها زن صالحی است که او را در امور دنیا و آخرت یاری کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۴۰۴).

در حدیث دیگری نقل شده که مردی نزد رسول خدا(ص) رفت و عرض کرد: زنی دارم که هر وقت به خانه می‌روم به استقبالم می‌آید و هنگامی که خارج می‌شوم بدرقه‌ام می‌کند و اگر مرا غمگین دید، به من می‌گوید: چه چیزی تو را غمگین می‌کند؟ اگر نگران روزی خود هستی، بدان که کس دیگری عهده‌دار آنست و اگر نگران آخرت هستی، خداوند نگرانیت را فزون کند. حضرت پیامبر(ص) فرمودند: «إن لله عمالاً و هذه من عماله لها نصف أجر شهيد؛ همانا خداوند کارگزارانی دارد و این زن از کارگزاران اوست و نصف اجر یک شهید دارد» (صدوق، بی‌تا، الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹ و حرّ عاملی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۰، ص ۳۲).

این حدیث نشان می‌دهد که زن با یک جمله و با رفتارهایی ساده آخرت را برای خود و همسرش تضمین می‌کند. در واقع این جریان یک جریان تربیتی است که روش برخورد درست با نگرانی‌های شوهر یا تنگدستی او را نشان می‌دهد. روشی که نگرانی شوهر را برطرف می‌کند و امید او را به زندگی و تلاش بیشتر نماید و به همین دلیل است که رسول خدا(ص) فرمودند: «ما إستفاده المؤمن بعد تقوی الله خیراً من زوجة صالحه؛ برای مؤمن پس از تقوای الهی خیرتری بالاتر از زن صالح نیست» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۸۷). بنابراین از بهترین مواردی که مؤمن می‌تواند از آن بهره‌مند گردد و سعادت خویش را رقم بزند، بعد از تقوا، زن شایسته است و وجود زن شایسته، زمینه رشد معنوی را فراهم می‌سازد.

۶. اصل لزوم همکاری معنوی

اصل دیگر تربیتی که از مبنای تمایل به معنویت در روند تربیت جنسی به دست می‌آید این است که بنای زوجین در زندگی باید بر همکاری با همسر برای نیل به کمال معنوی باشد. در این زمینه دستوراتی از حضرت پیامبر(ص) و ائمه(ع) رسیده است که لازم است زن و شوهر یکدیگر را در امور معنوی یاری رسانند.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «إذا أيقظ الرجل أهله من الليل و صلیا کتبا من الذاکرین الله کثیراً و الذکرات؛ هرگاه مردی همسرش را شب بیدار کند و نماز شب

بخوانند، در زمرة مردان و زنانى هستند كه بسيار ياد خدا مى‌كنند». (مجلسى، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ص ۲۳۹) و نيز آن حضرت مى‌فرمايند: «رحم الله رجلاً قام من الليل فصلّى. ثمّ أيقظ إمرأته فصلت، فإن أبت فضح فى وجهها الماء و رحم الله إمرأة قامت من الليل فصلت، ثم أيقظت زوجها فإن أبى فضحت فى وجهه الماء؛ خداوند رحمت كند مردى را كه نيمه شب برخاسته و نماز شب به پا مى‌دارد، سپس همسر خود را بيدار نمايد و او نيز نماز شب به پا دارد و اگر زن از خواب بيدار نشد، مقدارى آب بر صورت او بريزد (تا براى عبادت برخيزد) و رحمت خدا شامل زنى باد كه نيمه شب برخاسته نماز شب بر پا دارد، سپس شوهر خويش را از خواب بيدار نمايد، پس اگر بيدار نشد، چند قطره آب به صورت او بريزد (تا شوهر نيز نماز شب بر پا دارد)» (ابى داود، ۱۴۲۰ق، ص ۳۰۱، ش ۱۴۵۰ و ابن ماجه، تعليق عبالباقي، ۲۰۰۳م، رقم ۱۳۳۶ و نسائى، شرح سيوطى، بى تا، ج ۳، ص ۲۰۵). همچنين على بن اسباط از امام صادق (ع) در مورد مردى سؤال كرد كه نصف شب با صدای بلند نماز (نماز شب) مى‌خواند. امام فرمودند: «ينبغى للرجل إذا صلى بالليل ان يسمع أهله كى يقوم النائم؛ بايد مردى كه به نماز مى‌ايستد صدای نماز خواندن خود را به گوش خانواده‌اش برساند تا آنكه خواب است، بيدار شود و آنكه بيدار است به نماز قيام كند.» (مجلسى، ۱۴۰۳ق، ج ۸۷، ص ۲۰۹؛ صدوق، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۶۴؛ طوسى، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲؛ حرّعاملى، ۱۳۹۳ق، ج ۶، ص ۷۷).

در اين روايت امام از واژه ينبغى يعنى سزاوار است، استفاده کرده‌اند كه نشانه نوعى تأكيد بر اين كار است. بنا بر اين مردى كه متقى و عابد است، بايد خانواده خود را نيز به عبادت تشويق و تحريض نمايد. اين مسأله در سيرة بزرگان و معصومين هم وارد شده است كه ما به ذكر نمونه‌اى از آن مى‌پردازيم: شبى كه حضرت فاطمه (س) وارد خانه حضرت على (ع) شد، به ايشان عرض كرد: «تفكرت فى حالى و امرى عند ذهاب عمرى و نزولى فى قبرى فشبّهت دخولى فى فراشى بمنزلى كدخولى إلى لحدى و قبرى فانشدك الله إن قمت إلى الصلاة فتعبد الله تعالى هذه الليلة؛ هنگام ورود به اين خانه به ياد منتقل شدنم از اين دنيا و وارد شدنم به

قبر افتادم، پس وارد شدنم به رختخواب در خانه را، به وارد شدنم در قبر تشبیه کردم، پس تو را به خدا سوگند می‌دهم که بیا تا به نماز بایستیم و با هم در این شب خدا را عبادت کنیم» (تستری، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۴۸۱). آن شب را هر دو به عبادت سپری کردند و زمانی که پیامبر(ص) از حضرت علی(ع) سؤال نمود: همسرت را چگونه یافتی؟ آن حضرت فرمود: «نعم العون علی طاعه الله؛ بهترین یاور بر اطاعت خدا است». و در حدیثی از حضرت پیامبر(ص) در تشویق زن به یاری رساندن به شوهرش در عبادت و طلب علم آمده که فرمودند: «أیما امرأة أعانت زوجها علی الحج و الجهاد أو طلب العلم أعطاه الله من الثواب ما يعطى امرأة یوب علیه السلام؛ هر زنی که شوهرش را بر رفتن به حج یا جهاد یا آموختن علم یاری کند، خداوند ثوابی مانند ثوابی که به زن ایوب داد به او می‌دهد» (تستری، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۴۸۱).

نکته قابل تأمل این است که نه تنها در روایات بر یاری رساندن زوجین به یکدیگر در امر عبادت تأکید شده، بلکه برای همکاری در زمینه تمام اعمال و حرکات عاشقانه و محبت‌آمیز و حتی روابط زوجین تشویق به عمل آمده و برای آن اجر و پاداش در نظر گرفته شده است و این نکته مهمی است که چرا خداوند برای عملی که لذت مادی دارد، اجر و پاداش در نظر می‌گیرد؟

در این زمینه، نکات زیر قابل توجه است:

الف) وجود روابط عاشقانه و صمیمی بین زوجین آنها را از وقوع در محرمات باز می‌دارد.

ب) محبت کردن به دیگری خود نوعی کمال است، زیرا لازمه آن کنار گذاشتن خودخواهی و دیدن دیگران است.

ج) داشتن روابط خوب و صمیمی با همسر برای انسان، نوعی فراغت بال و آسودگی خیال به ارمغان می‌آورد که در سایه آن، انسان با آرامش بیشتری می‌تواند به عبادت و تعلّم و خدمت به جامعه بپردازد.

د) داشتن روابط خوب و صمیمی باعث پرورش صفات پسندیده در زوجین

است؛ مثل: عفت، حیا، عدم تمایل به ارتباط با نامحرم و...

ه) سزاوار است زن و شوهر روابط خود را با یکدیگر معنوی بدانند.

حضرت پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَىٰ إِمْرَأَتِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهِ تَعَالَىٰ إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ؛ وَتَمَّتْ لِمَنْ نَظَرَ إِلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ زَوْجَتِهِ وَنَفْسُهَا مِنْهُ بِمَا يَمُرُّ بِهَا مِنْ عَمَلٍ سَلِيمٍ» (پاینده، بی تا، ح ۶۲۱).

یک نگاه محبت‌آمیزی که زن و شوهر به هم می‌اندازند، باعث نازل شدن رحمت الهی بر آنان است. به ویژه اینکه نگاه محبت‌آمیز بر قلب زوجین تأثیر می‌گذارد. توجه کردن مرد به خانواده و محبت کردن به آنها به اندازه‌ای اهمیت دارد که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «جَلُوسَ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَىٰ مِنَ الْإِعْتِكَافِ فِي مَسْجِدِي هَذَا؛ خَدَاوَنَدُ نَشِئَتِنَ مَرْدٌ دَر كِنَارِ هَمْسَرِش رَا اَز اِعْتِكَافِ رَا اَز مَسْجِدِ النَّبِيِّ، بِيَشْتَرِ دُوسْت دَارَدُ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۵، ح ۷۸۸۴).

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «وَيَلِ لِإِمْرَأَةٍ أَغْضَبَتْ زَوْجَهَا وَطَوَّبِي لِإِمْرَأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجَهَا؛ وَآيٌ بَرِّ زَنِيٍّ كَيْ شَوَّهَرِش رَا خَشْمِغِينِ سَازَدُ وَخُوشَا بَه حَالِ زَنِيٍّ كَيْ شَوَّهَرِش اَز اَوْ رَا ضِيٌّ بَاشُد.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۱، ح ۲۴). رضایت و

۱. امام صادق (ع) نیز فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ؛ خَدَاوَنَدُ رَحْمَتِ كُنْدِ مَرْدِي كَيْ رَوَابِطُ بَيْنِ خُودِ وَ زَنْشِ رَا نِيكُو گِرْدَانَد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۳۴۹؛ ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳ و ۳۴) و در مورد خیری که نصیب مرد می‌شود؛ از جهت داشتن همسر صالح و نیکو، امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارشان می‌فرمایند: «أَمَّا أَفَادَةُ عَبْدًا فَأَنْدَهُ خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ، إِذَا رَأَاهَا سَرْتَه؛ هَيْبِ خَيْرِي بِالْأَثَرِ مِنْ زَيْنِ مَرْدٍ نَمِي رَسَدُ كَيْ زَنِ صَالِحِي دَاشْتَه بَاشُدُ كَيْ هَر گَاهِ شَوَّهَرِش اَوْ رَا بِيِنْدِ مَسْرُورِ گَرَدَد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۲۱۷ و الحمیری، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱). همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «إِنَّ الرَّجُلَ لِيُؤْجِرَ فِي رَفْعِ اللَّقْمَةِ إِلَىٰ فِي إِمْرَأَتِهِ؛ مَرْدِي كَيْ لَقْمَه دَر دِهَانِ هَمْسَرِش بَگَدَارَدُ، اَجْرُ دَارَدُ» (فیض کاشانی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۷۰) و در حدیث دیگری می‌فرمایند: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَسْقَىٰ إِمْرَأَتَهُ مِنْ الْمَاءِ أَجْرٌ؛ اِذَا مَرْدِي آبٌ بَه هَمْسَرِش بَدَهْدُ، اَجْرُ بَرِّ اَوْ دَر نَظَرِ گِرْفْتَه مِی شُود» (الطبرانی، بی تا، ج ۱۸، ص ۲۵۹، ش ۶۴۶). مشابه همین روایت در مورد محبت زن به مرد نیز وجود دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «أَمَّا مِنْ إِمْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرِبَهُ مَاءٌ إِلَّا كَانَ خَيْرًا مِنْ سَنَةِ صِيَامِ نَهَارِهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا، وَ بَنَى اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ شَرِبَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ غَفَرَتْ لَهَا سِتِّينَ خَطِيئَةً؛ هَر زَنِيٍّ كَيْ بَه شَوَّهَرِش آب دَهْدُ، اَيْنِ عَمَلٍ اَوْ بَرِّ اَشِئِش اَز يَكْسَالِ رُوزَه وَ نَمَازِ شَبِّ بَهْتَرِ اسْتِ وَ بَا هَر جِرْعَه اِي آب كَيْ شَوَّهَرِش مِی نُوشَدُ، شَهْرِي دَر بَهْشْتِ بَرِّ اَشِئِش اَوْ سَاخْتَه مِی شُودُ وَ ۶۰ گَنَاهُ اَوْ بَخْشِيدَه مِی شُود.» (دیلمی، بی تا، ص ۱۷۵).

خشنودی مرد از زن و عدم وجود خشم در خانواده یک اصل تربیتی است و باید به عنوان اصل فعالیت‌ها در زندگی مورد توجه باشد و نوع رابطه زن با مرد باید به گونه‌ای باشد که در زمینه خشمگین شدن مرد را فراهم نسازد.

مبنای سوم: نیاز انسان به انس و انیس

کلمه انسان از واژه «انس» گرفته شده و نشانه نیاز انسان به یک انیس و یار موافق است. مؤید این مفهوم دو حدیث زیر است:

الف) در موضوع آشنایی حضرت آدم و حوا گفته شده که: «إن الله عزوجل خلق آدم من طین ثم ابتدع له حواء... فقال آدم: یا رب ما هذا الخلق الحسن فقد أنسنی قربه و النظر الیه؟ فقال الله: یا آدم هذه أمتی حواء. أفتحب أن تكون معک تؤنسک و تحدثک، تكون تبعاً لامرک؟ فقال: نعم یا رب و لک بذلک علی الحمد و الشکر ما بقیت...؟ پس از اینکه خداوند آدم را از گل آفرید، حوا را برای او خلق کرد... پس آدم گفت: پروردگارا! این مخلوق نیکو کیست؟ که نگاه کردن و نزدیک بودن به او مرا مأنوس می‌کند؟ خداوند فرمود: ای آدم! این بنده من حواست، آیا دوست داری نزد تو باشد و انیس و هم صحبت تو گردد؟ پس گفت: آری، ای پروردگار، و به خاطر این نعمت تا زنده هستم شکرگذار تو خواهم بود» (حرر عاملی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۰، ص ۱۲).

ب) در حدیثی در مورد وجه تسمیه زنان به نساء آمده است که امام صادق(ع) فرمودند: «...سمی النساء نساء لأنه لم یکن لآدم أنس غیر حواء؛ به این جهت زنان، نساء نامیده شدند که برای حضرت آدم مونس غیر از حوا نبود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۱۰۹).

از این دو حدیث چنین نتیجه می‌گیریم که خداوند متعال زن و مرد را طوری آفرید که مونس یکدیگر باشند و مرد در کنار زن و زن در کنار مرد احساس انس کنند و از وحشت تنهایی رهایی یابند، تنهایی که جز با کنار هم بودن زن و مرد از بین نمی‌رود. جالب اینکه علی‌رغم اینکه هدف طبیعی غریزه جنسی تداوم نسل

است؛ اما در این دو حدیث اینگونه تبیین می‌شود که علاقه زن به مرد و مرد به زن، صرفاً به دلیل تأمین غریزه جنسی نیست، بلکه برای داشتن یک انیس و همدم است که انسان در کنار او احساس آرامش و انس می‌کند. بنابراین در کشش زن و مرد به یکدیگر، علاوه بر غریزه جنسی عوامل دیگری وجود دارد؛ زیرا هنگامی که حضرت آدم بیان کرد که از دیدن حوا و بودن در کنار او احساس انس می‌کند، هنوز تمایل جنسی در نهاد آنها قرار نگرفته بود و این طور که از آیات قرآن استفاده می‌شود، پس از خروج از بهشت، آدم و حوا به این غریزه پی بردند تا بتوانند تولیدمثل کنند و نسل انسان تداوم پیدا کند، اما به این دلیل به هم جذب شدند که نوعی علاقه خاصی به هم داشتند و این علاقه و انس، عامل تداوم ارتباط یک زن و مرد است نه جذابیت جنسی.

همانطور که از دو حدیث فوق‌الذکر به دست می‌آید، نیاز انسان به انس و انیس و کشش زن و مرد نسبت به یکدیگر در طبیعت، انسانی است و این در کنار کشش جنسی این دو به یکدیگر است و شاید فرموده رسول اکرم (ص) که فرمودند: «من اخلاق الأنبياء حبّ النساء»^۱ (طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۱۹۷)، و یا سخن امام صادق (ع) که فرمودند: «ما تلذذ الناس في الدنيا والآخرة بلذو أكثر لهم من لذة النساء»^۲ (حرّ عاملی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۰، ص ۲۳). همین کشش باشد و یا اعم از آن و کشش جنسی باشد، به ویژه اینکه معنی لذت بسیار وسیع است و لذت‌های معنوی را نیز دربرمی‌گیرد.

با توجه به این مطلب سخن پروردگار را بهتر درک می‌کنیم که فرمود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، آیه ۲۱). این به همان معنی است که زن و مرد نیمه گمشده یکدیگر هستند که وقتی یکدیگر را می‌یابند، احساس آرامش و سکون می‌کنند و به هم علاقه و مهر پیدا می‌کنند؛

۱. علاقه به زن از اخلاق انبیاست.

۲. مردم در دنیا و آخرت از چیزی مانند زن لذت نبرده‌اند.

زیرا خداوند آنها را طوری آفریده که به یکدیگر مهر و علاقه داشته باشند. بنابراین ارتباط زن و مرد فقط یک ارتباط مربوط به امور جنسی نیست، بلکه ارتباطی عمیق است که یکی از پایه‌های آن نیاز انسان به انیس و فرار از تنهایی است و زن و مرد به علت این نیاز روحی هم به یکدیگر کشش پیدا می‌کنند. با توجه به این مبنای طبیعی در وجود انسان، باید در جریان تربیت جنسی به قواعد و اصول زیر توجه شود.

۷. پرورش نگرش انسی به جنس مخالف

از جمله اصول تربیت که باعث رشد و شکوفایی تمایل طبیعی آدمی در قلمرو نیاز به انس و انیس می‌شود، رشد نگرش انسی به جنس مخالف در هر زن و مرد است، یعنی آنها باید بدانند که برای انس با یکدیگر پدید آمده‌اند و در ارتباط با هم به آرامش می‌رسند و این مدلول آیه و احادیث فوق‌الذکر است؛ از این رو، لازم است زوجین در خود نگرش مثبت و مطلوب را نسبت به همدیگر، تقویت نمایند.

۸. توجه به تجانس روحی در همسریابی

از جمله اصول تربیت که از مبنای نیاز به انس و انیس قابل کشف است، این است که در همسریابی، هر یک از زن و مرد باید به جنس مخالفی توجه نماید که از نظر روانی، شخصیتی، فرهنگی، اخلاقی، و شؤونات اجتماعی متجانس با وی باشد، زیرا به صورت طبیعی با چنین فردی بهتر می‌توانند انس بگیرند.

حضرت علی (ع) فرمودند: «کل امرء یمیل إلی مثله؛ هر فردی به همانند خود متمایل می‌شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۹۸، ح ۱۰۲۲۷) و در حدیث دیگری فرمودند: «کل شیء یمیل إلی جنسه؛ هر چیزی به جنس مشابه خود متمایل می‌شود» (همان). همچنین فرمودند: «النفوس أشکال فما تشاکل منها اتفق و الناس إلی أشکالهم أمیل؛ انسان‌ها متفاوتند، آنها که مشابه هم هستند با هم متفق‌اند و مردم به همانندهای خود، تمایل بیشتری دارند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۹۲، ح ۱۰۰).

و نیز حضرت علی(ع) در بخشی از وصیت خود به فرزندشان چنین فرمودند: «یا بنی إن القلوب جنود مجنّدة تتلاحظ بالموده، تتناجی بها وهی كذلك فی البغض فإذا أحببتم الرجل من غیر خیر سبق إلیکم فأرجوه، و إذا أبغضتم الرجل من غیر سوء سبق منه إلیکم فاحذروه؛ ای فرزندان! من همانا دل‌های آدمیان مانند لشکریانی هستند که دور هم جمع شدند، بعضی از آنها نسبت به بعضی مودت دارند و این مودت آنها را به هم نزدیک و صمیمی می‌کند و بعضی برعکس برهم بغض دارند. پس اگر احساس کردید فردی را دوست دارید، بدون این که خیری از او به شما رسیده باشد، پس به او امیدوار باشید و اگر از فردی بدتان آمد، بدون اینکه قبلاً از او بدی به شما برسد، پس از او دوری گزینید» (همان، ج ۱۴، ص ۴۳۰).

نویسنده کتاب نهج السعادة در مورد این حدیث چنین می‌نویسد: ظاهراً این قسمت حدیث، از هماهنگی تکوینی بعضی از دل‌ها با دل‌های دیگر و از به انس و الفت بین دو روح متجانس و تنفر و وحشت بین و روح مخالف حکایت دارد و این موضوعی نیست که در اثر معاشرت و خوش رفتاری و یا بدر رفتاری بین دو نفر ایجاد شود، زیرا بر تمایل بعضی افراد به بعضی دیگر و انزجار آنها از افراد دیگر بدون اینکه هیچ بدی از آنها رسیده باشد، دلالت دارد. (محمودی، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۲۵۲).

به نظر می‌رسد، گرچه احادیث متعددی به این هماهنگی تکوینی اشاره دارند ولی در وصیت‌نامه امام علی(ع) بر لزوم هماهنگ شدن با افرادی که محبت آنها در دل ماست، نیز دلالت دارد. عبارت «پس امیدوار باشید نسبت به افرادی که دوستشان دارید و دوری گزینید از کسانی که از آنها بدتان می‌آید»، از هماهنگی شرعی حکایت دارد و بر اصل تربیتی توجه به تجانس روحی در گرفتن همراه، دوست و همسر دلالت می‌نماید. بنابراین، در جریان تربیت به ویژه در تربیت جنسی و به منظور همسریابی باید تشابه و تجانس روحی و روانی کسی که می‌خواهد با او زندگی کند، مورد توجه و بررسی قرار گیرد و بدون آن اقدام به دوست و همسریابی ننماید. پیوند زناشویی و ارتباط زن و شوهر مانند ارتباط دو

دوست است. همانطور که دو نفر اگر از لحاظ روحی هم‌سنگ نباشند، نمی‌توانند به رابطه‌ی دوستانه خود ادامه دهند و در صورت مداومت هم، رابطه‌ی صمیمانه نخواهند داشت، در پیوند زناشویی که در آن روابط دو فرد از همه روابط انسانی دیگر صمیمانه‌تر باشد؛ اگر از نظر روحی، شخصیتی، اخلاقی، اجتماعی باهم، هم‌سنگ نباشند، رابطه‌ی آنها تداوم نخواهد داشت و اگر ظاهراً در کنار هم باقی بمانند، باطناً و روحاً از یکدیگر جدا خواهند بود و این رابطه یک رابطه‌ی مطلوب نخواهد بود.

توجه به همانندی زن و شوهر در شخصیت و ویژگی‌های روانی، اخلاقی، فکری و معنوی از جمله اموری است که در احادیث زیادی مورد تأکید قرار گرفته است. احادیث مربوط به کفو بودن، هم‌فکر بودن و رضایت اخلاقی از جنس مخالف داشتن، توصیه به این اصل تربیتی است؛ در اینجا فقط به یک حدیث اشاره می‌کنیم و آن این است که فردی از پیامبر اکرم (ص) در این زمینه سؤال کرد، ایشان فرمودند: «إذا جاءكم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه. قيل: یا رسول الله و إن كان دنیا فی نفسه؟ قال: إذا جاءكم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه، إلا تفلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر؛ اگر فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از دین و اخلاق او راضی بودید، او را تزویج کنید، پرسیدند: حتی اگر از نظر اصل و نسب، پست باشد؟ پیامبر دوبار تکرار کردند: اگر کسی به خواستگاری دختر شما آمد که دین و اخلاق او را می‌پسندید، او را تزویج کنید که اگر این کار را نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد». (حرّ عاملی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۰، ص ۷۸).

۹. اصل ازدواج براساس خواست دختر و پسر

سومین اصل بر مبنای نیاز انسان این است که ازدواج براساس تمایل و خواسته‌ی خود دختر و پسر باشد؛ از آنجا که هر دختر و پسر، با توجه به خصوصیات روانی‌اش با دیگری انس می‌گیرد؛ میل، احساس و خواست او اصل در انتخاب همسرش می‌باشد و نباید والدین و یا افراد دیگر خواست و احساس خود را بر او تحمیل کنند. فضیل بن یسار از اصحاب امام محمد باقر (ع) به ایشان عرض کرد: همسر

خواهر مسلمانی دارد که دختر فهمیده‌ای می‌باشد، و در بصره کسی که مناسب او باشد، وجود ندارد. نظر شما چیست که او را به عقد یکی از مردم عادی درآورم؟ امام فرمودند: جز با فردی که خودش نظر موافقی نسبت به او دارد، او را تزویج نکنید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۳۳۶).

این مسأله در مورد پسران هم صادق است. یکی از اصحاب امام صادق(ع) به ایشان عرض کرد: مادر و پدرم دختری را برای همسری با من انتخاب کرده‌اند، ولی من دختر دیگری را دوست دارم؛ با کدام یک از آنها ازدواج کنم؟ امام فرمودند: «تزوج الی هویت ودع الی هوا أبواک؛ با آن کسی که او را دوست داری ازدواج کن و از آن کسی که پدر و مادرت دوست می‌دارند، صرف نظر کن» (قمی، بی‌تا، ح ۲، ص ۵۸۶).

مبنای چهارم: زیبادوستی

تمایل فطری به زیبایی از جمله مبانی تربیتی در روابط زن و شوهر است که با علم حضوری ادراک می‌شود. در متون دینی، با این پیش فرض، بر توجه به زیبایی‌ها و جمال طبیعی خود و دیگران در برقراری ارتباط و معاشرت با آنها تأکید شده است. رسول اکرم(ص) ضمن جلب توجه افراد به جوانی و جمال طبیعی خود، توصیه بر افزایش آن داشته و می‌فرماید: «اختضبوا فإنه یزید فی شبابکم و جمالکم؛ خضاب کنید و آرایش نمایید، زیرا که به شادابی، جوانی و زیبایی شما می‌افزاید» (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۳) و نیز آن حضرت به منظور ارضای نیاز طبیعی افراد به زیبایی‌ها، درباره همسریابی و زندگی و معاشرت با او می‌فرماید: «علیکم بالوجه الملاح و الحدق السّود؛ بر شما باد که با زیبارویان نمکین چهره و مشکین چشم معاشرت کنید» (قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۶).

با توجه به مبنای زیبادوستی، باید در روند تربیت جنسی زوجین به اصول زیر توجه شود.

۱۰. اصل توجه به زیبایی‌های خویش

از آن جهت که زیبادوستی یک استعداد و تمایل فطری و طبیعی است که خداوند حکیم آن را در بشر سرشته است و فعل خدا هم بدون هدف نیست؛ می‌بایست این تمایل و استعداد پرورش یافته و با جهت‌دهی آن به سوی اهداف در نظر گرفته شده آفرینش، رشد پیدا کند. شناسایی و توجه هریک از دختر و پسر به زیبایی‌های گوناگون جسمی و روانی خود و شناخت جمال، زیبایی و هنرمندی خدا در خویشتن، معرفت به نشانه‌ای از زیبایی‌های خلقت پروردگار است که هر انسانی می‌باید از آن بهره‌مند باشد. لازمه خردمندی آدمی این است که زیبایی‌ها و ظرافت‌ها در چینش و ساختار وجودی خویش را شناسایی کند و زیبایی آفرینش خدا را در خویش مشاهده نماید و باور نماید که در راستای اهداف نظام هستی و موقعیت آفرینشی وی در این نظام و با توجه به جنبه‌های گوناگون زیبایی در هر فرد، زیبا آفریده شده است و از جمله بهترین و نیکوترین مخلوق خداوند محسوب می‌گردد و به دلیل زیبایی آفرینش اوست که خداوند خود را «احسن الخالقین» (مؤمنون، آیه ۱۲) خوانده و به خود تبریک گفته است.

توجه به زیبایی‌های خویش و آشکار ساختن و بهره‌مندی از آن، از اموری است که خدا دوست دارد. امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند که فرمود: «إنّ الله جميل يحبّ الجمال و يحبّ ان یری اثر النعمة علی عبده؛ خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد اثر نعمت‌های زیبایی را که عطا کرده، بر بنده‌اش مشاهده نماید» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۳۸، ح ۱). امام رضا (ع) نیز فرمود: «اذا انعم الله علی عبده بنعمة احبّ ان یراها علیه لأنّه جمیل یحبّ الجمال؛ هنگامی که خدا به بنده‌اش نعمتی را می‌دهد، دوست دارد آن را بر بنده‌اش مشاهده کند، زیرا خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.» (همان، ص ۴۳۸، ح ۴).

بنابراین لازم است به زیبایی‌های خداوندی توجه کرد و آنها را در وجود خود پذیرفت و به آن افتخار کرد و حتی با آراستگی و مشاهده زیبایی‌های خویش، از آثار روانی، عاطفی آن برخوردار گردید. با اجرای این اصل و شناسایی زیبایی‌های

هریک از دختر و پسر در خویش، فرد نسبت به خود، نگرش مثبت پیدا می‌کند، اعتماد به نفسش بالا می‌رود و احساس ارزشمندی می‌نماید و در ارتباط با دیگران احساس کمبود نمی‌کند؛ از این رو، نسبت به بسیاری از انحرافات جنسی مصونیت می‌یابد و مرتکب رفتارهای نابهنجار جنسی نمی‌شود و از زینت کردن و آراستن‌های افراطی پرهیز می‌نماید. احساس ارزشمندی و خودباوری در چنین فردی باعث می‌شود او نسبت به زندگی آینده خود خوش‌بین باشد و درباره آن با خردمندی و صبر و حوصله تصمیم بگیرد؛ برخلاف کسی که به جنبه‌های گوناگون هستی و زیبایی‌های خویش پی نبرده و خود را زیبا نمی‌داند و نگرش مثبتی به خود ندارد، احساس حقارت و پستی می‌کند و در مقایسه با دیگران آنها را از خود برتر، توانمندتر و موفق‌تر می‌داند. چنین فردی آینده زندگی خویش را تاریک و مبهم می‌بیند، تصمیم‌گیری‌های خردمندانه‌ای ندارد و چه بسا درباره زندگی مشترک خود با دیگری به شرایط نامطلوب تن می‌دهد و آرامش و خوشبختی را از خود و یا دیگری سلب می‌کند. چنین فردی به خاطر پستی و نازیبایی که در خود احساس می‌کند، از انجام رفتارهای نابهنجار، به‌ویژه رفتارهای نابهنجار جنسی مصون نمی‌ماند. امام صادق (ع) منشأ انحراف‌ها و گمراهی‌ها و انجام رفتارهای نابهنجار را همین احساس حقارت و پستی در افراد دانسته و می‌فرماید: «ما من احد یتیه الا من ذله یجدها فی نفسه؛ هیچ کسی به ورطه گمراهی و سرگردانی نمی‌افتد، مگر به دلیل احساس پستی که در خودش می‌یابد» (مجلسی، ج ۷۳، ص ۲۲۵، ح ۱۷).

۱۱. اصل توجه زوجین به زیبایی‌های یکدیگر

از جمله اصول تربیت جنسی که زیبادوستی فطری مبنای آن است، توجه زوجین به مجموعه زیبایی‌های جسمی و روانی یکدیگر است. توجه همسران به زیبایی‌های یکدیگر، علاوه بر اینکه موجب کشف نشانه‌هایی از هنرمندی و زیباآفرینی و حکمت خداوند متعال است و رابطه آن دو را با خدا قوی‌تر می‌سازد و زمینه قرب بیشتر به پروردگار و کمال معنوی را در آنها فراهم می‌سازد؛ در لذت بردن از

یکدیگر، افزایش محبت بین آنها، احساس انس و الفت باهم، رضایت از همدیگر و آرامش و خوشبختی آنها مؤثر است. تمایل به زیبایی‌ها، کشش فطری در افراد انسانی است و باید در روند تعلیم و تربیت، آن را به‌گونه‌ای پرورش داد که زیبادوستی در اخلاق و رفتار فرد نمایش پیدا کند. امام علی(ع) در مورد افراد تربیت شده دینی می‌فرماید: «التجمل من أخلاق المؤمنین؛ زیباگرایی و توجه به زیبایی جزء خلق و خوی مؤمنان است» (آمدی، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۳۰۷) و یا در توصیه‌اش به کسی که در صدد رشد و تعالی خود می‌باشد، می‌فرماید: «عود نفسک الجمیل؛ خود را به امور زیبا عادت بده» (همان، ج ۲، ص ۳۲۸). منظور این است که به زیبایی‌های معنوی آن چنان خو گیر که در رفتار جز زیبایی بروز نکنند و از این‌رو است که مصداق‌های زیادی از صفات اخلاقی و معنوی در احادیث، زیبا شمرده شده است. مانند اینکه امام علی(ع) فرمود: «جمال الرجل حلمه؛ زیبایی مرد به وقار در رفتار اوست» (همان، ج ۳، ص ۳۵۶). این تمایل فطری چه بسا بر اثر عواملی، از شکوفایی و رشدش جلوگیری شود و یا مورد غفلت قرار گیرد؛ از این‌رو، محرک‌هایی جهت توجه بیشتر به آن تمایل فطری و بهره‌مند شدن از آن، لازم است. از جمله محرک‌هایی که در احادیث در این زمینه تأکید شده است و وظیفه زن و مرد، هر دو دانسته شده است، آراستگی، زینت کردن، نظافت و پاکیزگی مرد و زن است که باعث جذب به یکدیگر و توجه به زیبایی‌های همدیگر می‌شود. رسول خدا(ص) فرمودند: «یجب علی الرجل لإمراته ما یجب له علیها أن یتزین لها کما تتزین له فی غیرمأتم؛ آنچه که بر زن واجب است نسبت به شوهرش، بر شوهر نسبت به همسرش واجب است که خود را برای او از غیر حرام تزین کند» (دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۵۲۱، ش ۸۹۵۳).

حضرت پیامبر(ص) در این حدیث از لفظ «یجب» استفاده کردند، بر مرد واجب است که خود را برای همسر خود تزین کند، این وجوب اگر وجوب شرعی نباشد که تخلف از آن حرام محسوب شود، سفارش مؤکد است که رعایت آن لازم و ضروری است و تخلف از آن، عوارض روانی، عاطفی و رفتاری را به دنبال خواهد

داشت. نکته دیگر اینکه تعبیر حضرت پیامبر(ص) به اینکه «وظیفه مرد در تزئین خویش برای همسرش مانند وظیفه زن در زینت دادن خود برای شوهر می باشد» نشان دهنده این امر است که زن و مرد در این زمینه دارای وظایف یکسانی در برابر هم می باشند.

این مسأله از اهمیت ویژه‌ای در روابط زن و مرد برخوردار است و در روایات متعددی به آن سفارش شده است. از جمله فردی به نام حسن بن جهم، به امام کاظم(ع) عرض کرد، آیا خضاب کرده‌اید؟ امام فرمودند: بله، چرا که آراستگی مرد عفت زنان را زیاد می کند و چه بسیار زنان که به خاطر بی توجهی شوهرانشان به آراستگی و زیبایی خود، عفت خود را از دست داده‌اند. (همان، ج ۵، ص ۵۲۱). این حدیث اولاً سیره عملی امام(ع) در معاشرت خانوادگی را نشان می دهد، که ایشان علی رغم مقام والای دینی، نسبت به وظایف خانوادگی خود یا نیازهای همسر خویش غفلت نمی کردند، ثانیاً بیانگر این حقیقت است که زیبایی شوهر و آراستگی او، برای زن مهم است و باید مرد به آن توجه کند تا میل به زیبایی بینی زن اشباع شود و این نشان دهنده این امر است که بی توجهی مرد به این مسأله در روحیه و علاقه زن نسبت به شوهرش تأثیر منفی دارد و حتی ممکن است او را از شوهر خویش متنفر سازد و وی را به سمت مردان دیگر بکشاند.

امام باقر(ع) نیز این میل زن را با توجه به روان شناسی زن چنین بیان می فرمایند: «النساء یحببن أن یرین الرجل فی مثل ما یحب الرجل أن یری فیہ النساء من الزینه؛ زنان دوست دارند همسر خود را در زینت ببینند، همانطور که مرد دوست دارد زن زینت کند» (طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۷۹ و حرّ عاملی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۰، ص ۲۴۶). سپس امام فرمودند: آیا دوست داری او را همان طور که خودت نامرتب هستی، نامرتب ببینی؟ گفتم: خیر، امام فرمود: او هم همین طور است و سپس فرمودند: پاکیزگی، استعمال بوی خوش، کوتاه کردن مو و نزدیکی کردن، از اخلاق پیامبران است.

حضرت امام محمد باقر(ع) با این بیان، اولاً: مردان را متوجه می سازد که زنان هم همانند خود آنها، دوست ندارند همسرشان را نامرتب ببینند؛ ثانیاً: امام تأکید دارد که آراستگی، تمیزی، خوش بویی و آمیزش نه تنها با مؤمن بودن و زاهد بودن منافاتی

ندارد، بلکه پیامبران که الگوی مؤمنین هستند، به این امور توجه می‌کنند. از آنجا که آراستگی و پاکیزگی، زیبایی‌های فرد را در برابر دیگری نمودار می‌سازد، حضرت پیامبر(ص) خطاب به مردان فرمودند: «إغسلوا ثيابکم، وخذوا من شعورکم و استاکوا و تزینوا و تنظفوا، فانّ بنی اسرائیل لم یکنوا یفعلون ذلک فزنت نساؤهم؛ لباس‌های تمیز بپوشید، موهای خود را کوتاه کنید، مسواک بزنید و خود را تمیز و زیبا کنید، چراکه مردان بنی اسرائیل از اینها خودداری کردند، پس زنان آنان، دچار روابط نامشروع شدند» (همان، ص ۸۰).

در حدیث دیگری از حضرت پیامبر(ص) فرمودند: «لیتھیأ أحدکم لزوجه کما تتهیأ زوجته له؛^۱ بر شما باد که برای همسر خود آرایش کنید و آماده شوید، همانطور که همسران‌تان برای شما آماده می‌شوند.» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۲۱۰، ش ۷۷۱).

از مجموعه این احادیث چنین برداشت می‌شود: ۱. زینت کردن و پاکیزگی زن و مرد برای یکدیگر از جمله محرک‌های آنان به شکوفایی تمایل فطری آنها به زیبایی است؛ ۲. زن به پاکیزگی و زینت مرد، بوی خوب او و آراسته بودن موهای او نیاز دارد؛ ۳. آراستگی، تمیز بودن و مرتب بودن مرد، زن را به او متمایل می‌کند و او را از نظر جنسی آماده می‌کند؛ ۴. بی‌توجهی شوهر به آراستگی و پاکیزگی خود، همسرش را از او متنفر می‌سازد و دل او جذب مردان دیگر می‌شود تا حدی که ممکن است از راه عفت خارج شود. ۵. عفت در زنان باعث ارضای نیازهای طبیعی از جمله زیباخواهی آنان می‌شود؛ ۶. پاکیزگی مرد و آراسته بودن و خوشبو بودن او، علاوه بر اینکه میل زن به آراستگی و پاکیزگی را ارضا می‌کند، نشانه توجه مرد به زن است و از این رو، نیاز زن به مورد توجه بودن را نیز ارضا می‌کند.

۱. هیأ در لغت هم به معنای مستعد و آماده کردن است و هم به معنای زینت دادن است. بنابراین معنای یتھیأ در روایت، هم می‌تواند آمادگی باشد و هم زینت کردن و مراد از آمادگی هم فراهم کردن مقدمات تحریک جنسی برای انجام عمل آمیزش می‌باشد. به هر حال در این حدیث پاکیزگی عاملی برای زیبایی یا آمادگی روحی (تمایل روحی زن و شوهر) معرفی شده است.

مبنای پنجم: نیاز به محبت

تمایل آدمی به محبت کردن و مورد محبت دیگران قرار گرفتن، گرایش فطری است که هر فردی در خود، آن را می‌یابد و تا فرد از فطرت و طبیعت خود بیگانه نگردد، این ویژگی در وجودش با علم حضوری، احساس می‌شود.

در متون حدیثی با توجه به این تمایل طبیعی، به اهمیت و لزوم پرورش و رشد این تمایل پرداخته و نقش آن در زندگی فردی، خانوادگی، و اجتماعی و حیات معنوی تبیین شده است. همچنین اهمیت به همه مردم، فراوان توصیه شده است. امام رضا(ع) با اشاره به اثر معنوی و مادی محبت انسان‌ها نسبت به یکدیگر می‌فرماید: «انّ اهل الارض لمرحومون ما تحابوا وادّوا الامانة و عملوا الحق؛ به درستی که اهل زمین به صورت مستمر در رحمت مادی و معنوی خداوند خواهند بود، مادامی که یکدیگر را دوست داشته باشند و امانتدار و عامل به حق باشند» (ورام، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲) و امام علی(ع) می‌فرماید: «ابلق ما تستدرّ به الرحمة ان تضمّر لجميع الناس الرحمة؛ رساترین چیزی که می‌توانی رحمت الهی را به خود جلب کنی، این است که در باطن، با همه مردم باعظوفت و مهربان باشی» (آمدی، ۱۳۳۷، ص ۲۱۲). رسول اکرم(ص) محبت عملی و رفتاری را که منشأ آن محبت درونی و گرایش طبیعی به دوست داشتن است، سرآمد رفتارهای عاقلانه دانسته و می‌فرماید: «رأس العقل بعد الدين التودد الى الناس و اصطناع الخير الى كل برّ و فاجر؛ سرآمد تمام اعمال عاقلانه بعد از تدین به دین الهی، بشردوستی و نیکی به همه مردم است، خواه خوب و درستکار باشند، یا فاسق و گناهکار» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۷). و امام باقر(ع) تدین به دین الهی را جز محبت ندانسته و می‌فرماید: «هل الدين إلا الحب؛ آیا دین غیر از حبّ و دوستی است» (ورام، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۱). با توجه به اینکه گرایش به دین و محبت، هر دو فطری است و گرایش به دین، تمایل عاطفی نسبت به خداوند است؛ بنابراین دینداری جز حبّ به خدا نیست. اطلاق حبّ و عدم تقید به حبّ خدا، حکایت از آن دارد که حبّ به اولیای

الهی و حب به بندگان خدا و عموم مردم (که با کسب عناوین ثانویه لزوم تبرّی و خشمگینی را برای خویش پدید نیاورده‌اند) را نیز دربرمی‌گیرد؛ زیرا محبت طبیعی، میل به دوست داشتن و دوست داشته شدن به صورت مطلق است. آدمی هم خدا را دوست دارد و هم افراد انسانی را. همچنین تمایل دارد که دوست داشته شود، هم از ناحیه خدا و هم از ناحیه افراد انسانی و آنچه تدین و دینداری است، حب قلبی به خدا، اولیای الهی، مؤمنان و بندگان خدا به اضافه حب عملی و رفتاری است که به صورت عملکردهای عبادی و اخلاقی بروز می‌نماید و شاید به دلیل اینکه اخلاقیات و عقل عملی در مودت نسبت به مردم، تبلور پیدا می‌کند، امام رضا(ع) فرمود: «التودّد الی الناس، نصف العقل؛ مودت و رفتار محبتی با مردم، نصف عقل است» (حرّ عاملی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۲۰۷).

از این دو حدیث می‌توان چنین به دست آورد که در طبیعت و فطرت بشر سه گرایش مرتبط با هم وجود دارد، یکی گرایش به دین و دیگری تمایل به محبت و سوم گرایش به رفتارهای ارزشی - اخلاقی. هر یک از این گرایش‌ها، گرچه تمایلی مستقل و بدون وابستگی به تمایل دیگر است، ولی مرتبط با یکدیگر می‌باشند. محور این ارتباط می‌تواند میل به محبت باشد؛ زیرا محبت به صورت مطلق، گرایش به خدا و تمایل به اخلاقیات را دربردارد و حدیث امام باقر(ع) که دین را جز حب ندانسته، مؤید آن است. بنابراین به نظر ما، نیاز به محبت، یک نیاز نخستین است که به خودی خود، استقلال دارد و نه نیاز ثانویه که از نیازهای دیگر مشتق شده باشد، گرچه فروید آن را یک نیاز ثانویه دانست که منتج از نیاز به تغذیه است. اما جان بالبی، روان‌شناس، به وسیله آزمایش و با برهان علمی ثابت کرد که نیاز به محبت، یک نیاز نخستین است و از هیچ نیاز دیگری مشتق نشده است و نیازی اساسی برای تحول شخصیت است (منصور، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۱۵۱).

مزلو نیاز به محبت و عشق را در سلسله نیازها، پس از نیازهای فیزیولوژیک و نیاز به امنیت مطرح کرده است و معتقد است در امر تربیت باید به آن پرداخت و گرنه عدم ارضای آن، دونتیجه در پی خواهد داشت: ۱. فرد همواره در جستجوی

راهی برای تأمین این نیاز خواهد بود؛ ۲. قادر به دوست داشتن و ابراز دوستی به دیگران نخواهد بود. (مزلو، ترجمه رضوانی، ۱۳۶۷، ص ۸۲-۷۹). و این دو نتیجه‌ای است که در امر تربیت اهمیت پیدا می‌کنند. نتیجه اول این هشدار را به والدین می‌دهد که اگر نیاز به محبت کودکان‌شان را به نحو مطلوبی ارضاء نکنند، او به کوچکترین ابراز محبتی پاسخ مثبت می‌دهد و چه بسا دچار روابط نامشروع و انحرافات جنسی شود و نتیجه دوم نیز این پیام را می‌دهد که افرادی که نیازهای آنها به محبت ارضاء نشده، در بزرگسالی و در زندگی زناشویی قادر به ابراز محبت به همسر و فرزندان خود نخواهند بود؛ زیرا مهرورزی و محبت اگرچه غریزی است، اما رفتار مرتبط با آن اکتسابی و آموختنی است.^۱

از آنجا که از مهم‌ترین مظاهر تمایل فطری آدمی به محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن، رفتارهای محبتی جنسی است که معمولاً به صورت طبیعی با محبت، انس، و الفت به جنس مخالف و به صورت غیرطبیعی با جنس موافق، همراه است، باید در روند تربیت جنسی به اصل زیر توجه کرد:

۱۲. اصل لزوم تبلور محبت در روابط زوجین

اقتضای نیاز طبیعی و فطری آدمی به دوست داشتن و دوست داشته شدن، این است که در همه مراحل رشد و زندگی، به آن توجه شود و به مقتضای موقعیت رشدی در دوره‌های مختلف، به گونه‌ای آن نیاز، ارضاء گردد. از جمله موارد ارضای این نیاز

۱. این مسأله در آزمایشی که بر میمون‌ها انجام شد قابل اثبات است. میمون‌هایی که از کودکی از مادر خود جدا شدند و با مادران عروسکی بزرگ شدند، بعدها به ندرت روابط متقابل سالمی با سایر میمون‌ها برقرار کردند، و واکنش‌های جنسی نامناسبی از خود نشان دادند، وقتی که میمون‌های مادینه‌ای که از تماس‌های اجتماعی اولیه محروم مانده بودند، موفق به جفت‌گیری شدند، مادرهای بی‌کفایتی از آب درآمدند که یا به بچه‌های خود توجه نداشتند و یا با آنها بدرفتاری می‌کردند. (زمینه روانشناسی، ج ۱، ص ۱۳۹) اگرچه تعمیم دادن نتایج آزمایش‌های میمون‌ها به انسان‌ها باید با احتیاط انجام شود، اما شواهد نشان می‌دهد که دلبستگی طفل به مادرش نقش مهم و مشابهی دارد.

روابط زوجین است. لازم به توجه است که نیاز به محبت زوجین، همان نیاز جنسی نیست، بلکه میل جنسی از میل به محبت متمایز است و هر دو باید ارضاء شوند. برخی از روان‌شناسان پس از فروید، به خوبی این تمایز را آشکار ساخته و می‌نویسند: «عشق به معنای میل جنسی نیست، میل جنسی را می‌توان صرفاً به عنوان یک نیاز فیزیولوژیک مطالعه کرد، ولی محبت و عشق یک نیاز فیزیولوژیک نیست، بلکه در رفتار جنسی، معمولاً عوامل تعیین‌کننده بسیاری دخیل است که عمده آنها نیاز به عشق و محبت است؛ یعنی در رفتار جنسی، چه بسا هر دو نیاز ارضاء می‌شود. این حقیقت را نیز نباید نادیده گرفت که نیاز به محبت شامل دوست داشتن و دوست داشته شدن می‌شود» (راسن آلن، ترجمه جمال‌فر، ۱۳۷۸، ص ۸۱).

آلفرد آدلر نیز عشق را یکی از تمایلات عالی انسانی می‌داند و آن را از غریزه جنسی که از یک کشاننده غریزی است جدا می‌داند. (آدلر، ترجمه زمانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۲).

دکتر رنه الندی نیز در این زمینه چنین می‌نویسد: «عشق، ابداً به کشش تناسلی، محدود نمی‌شود، بلکه یکی از نیروهای به هم پیوستگی است که در همه مراتب طبیعت برای گردآوری عناصر، به صورت ترکیب‌هایی که فردیت یافته‌اند، بر وفق فرآیند نوعی و نمونه‌وار زندگی، در کار است» (آلندی، ترجمه ستّاری، ۱۳۷۳، ص ۹). البته مسئولیت مردان در این زمینه سنگین‌تر است؛ زیرا از طرفی نیاز زنان از دریافت محبت و مشاهده رفتار عملی دال بر آن بیش از مردان است و از طرف دیگر مردان کمتر از زنان به این رفتارها آگاهی دارند و آنها را ابراز می‌کنند. در صورتی که زنان به علت طبیعت عاطفی که دارند، بیشتر این رفتارها را ابراز می‌کنند؛ اما متأسفانه کمتر آنها را دریافت می‌کنند. در روایات به این اصل توجه داده شده و مکرراً به مردان سفارش شده که به زنان محبت کنند و محبت خود را ابراز دارند. از جمله امام صادق (ع) می‌فرمایند: «کل من اشتهل لنا حباً اشتهل للنساء حباً؛ هر کس علاقه‌اش به ما شدیدتر می‌شود، علاقه او به زنان نیز شدیدتر گردد» (حرّ عاملی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۴، ص ۱۲، ح ۱۱).

از یافته‌های تحقیق آن است که: چون در قرآن و احادیث به مبانی تربیت جنسی و اصول کشفی آن و روش‌های مبتنی بر آنها توجه شده است، می‌توان نظام تربیت جنسی از دیدگاه اسلامی را تدوین کرد. تمایل مرد و زن به یکدیگر و تشکیل خانواده، ریشه در فطرت آدمی دارد و تمایلات جنسی دیگر، انحراف از فطرت است. رفتار جنسی در آدمی با امور فطری دیگری چون دیگرخواهی، زیادوستی و محبت و انس آمیخته است و از این رو، متمایز از حیوان است.

ساختار طبیعی متشکل از مجموعه‌ای از نیازها، احساس‌ها و توانمندی‌ها و ویژگی‌های بدنی و روانی که آثار روانی عاطفی، اخلاقی و جنسی دارد و نه صرف جنبه فیزیولوژیکی زن و مرد، مبنای تربیت جنسی است.

از دیدگاه قرآن و حدیث وجود تمایل جنسی در آدمی منشأ آن است که نیاز جنسی در زن و مرد طبیعی تلقی گردد و ارضای آن در قالب ازدواج دانسته شود و ارضای متعادل و پرهیز از افراط و تفریط در ارضای این غریزه، امری روانی، اخلاقی معنوی است که مقبول انبیاء الهی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

از تفسیر و تحلیل مجموعه‌ای از آیات و احادیث، در ارتباط با مبانی و اصول تربیتی در روابط زن و شوهر، امور زیر به دست آمد:

در فطرت و طبیعت انسان، ویژگی‌های شناختی و عاطفی وجود دارد که منشأ کشش‌ها و فعالیت‌ها و رفتارهای مربوط به جنس مذکر و مؤنث است و اهداف زندگی زناشویی را سامان می‌بخشد. این‌گونه واقعیت‌ها در وجود دو جنس زن و مرد، مبانی تربیت جنسی نامیده می‌شود.

ضوابط استنباط شده از آن مبانی که از دیدگاه و حیانی پذیرفتن و به کار بستن آنها اهداف عالی تربیتی را در ابعاد فردی، معنوی، خانوادگی، و اجتماعی تأمین می‌کند، اصول تربیت جنسی به حساب می‌آیند.

در قرآن و احادیث به مبانی تربیت جنسی و اصول کشفی آن و روش‌های مبتنی

بر آنها توجه شده است و می‌توان نظام تربیت جنسی از دیدگاه اسلامی را تدوین کرد.

تمایل مرد و زن به یکدیگر و تشکیل خانواده، ریشه در فطرت آدمی دارد و تمایلات جنسی دیگر، انحراف از فطرت است و از دیدگاه اسلامی نابهنجار تلقی می‌شود.

رفتار جنسی در آدمی با امور فطری دیگری چون دیگرخواهی، زیبادوستی، محبت و انس آمیخته است و از این رو متمایز از حیوان است. ساختار طبیعی متشکل از مجموعه‌ای از نیازها، احساس‌ها و توانمندی‌ها و ویژگی‌های بدنی و روانی که آثار روانی عاطفی و اخلاقی و جنسی دارد، مبنای تربیت جنسی است.

از دیدگاه قرآن و حدیث وجود تمایل جنسی در آدمی منشأ آن است که نیاز جنسی در زن و مرد و در قالب ازدواج، طبیعی تلقی گردد و ارضای متعادل و پرهیز از افراط و تفریط در ارضای این گزینه امری روانی، اخلاقی و معنوی است که مورد تأکید در تعلیمات انبیاء الهی بوده است.

تمایل فطری هر دو جنس مذکر و مؤنث به فضیلت دوستی، آنها را موظف می‌سازد تا برای انتخاب همسری شایسته و متدین تلاش کنند و پس از ازدواج در رشد و ارتقای معنوی یکدیگر بکوشند.

گرایش طبیعی آدمی به انس با دیگری، موجب آن است که نگرش هریک از زن و مرد به یکدیگر، نگرشی انسی و آرامش‌یابی باشد و در همسریابی به فردی توجه نماید که از نظر روانی، شخصیتی، فرهنگی، اخلاقی و شئون اجتماعی با وی متجانس باشد.

از دیدگاه اسلام ازدواج باید براساس خواست دختر و پسر باید انجام گیرد و دیگران عقاید و خواسته‌های خود را بر آنان تحمیل نکنند.

با توجه به زیبایی دوستی طبیعی در دختر و پسر، باید در کشف زیبایی‌های خویش تلاش نماید و خود را زیبا و دوست داشتنی بداند.

از ضوابط مربوط به زناشویی این است که هریک از همسران به زیبایی‌های یکدیگر توجه نمایند و هریک زیبایی‌های خویش را به دیگری بنمایاند تا زیبادوستی فطری آنها اشباع گردد.

گرایش به محبت و مودت باید جهت مطلوب پیدا کند و آن در روابط زوجین تبلور پیدا کند و از روابط محبتی جنسی زود هنگام و یا به غیر از همسر دوری نمایند تا موجبات سلامت روانی خود و همسر خود را فراهم سازند.

منابع

- آدلر، آلفرد (۱۳۷۰)، *روان‌شناسی فردی*، ترجمه حسن زمانی و شرف شاه‌ی، بی‌جا، تصویر.
- آلندی، رنه (۱۳۷۳)، *عشقی*، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۳)، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه محمد خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳ق)، *عوالی اللئالی*، با مقدمه آیه الله نجفی مرعشی و تصحیح عراقی، قم: انتشارات عراقی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *عیون الاخبار الرضا*، تهران، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی بن الحسین (۱۴۰۰)، *تحف العقول*، ترجمه فارسی به تصحیح علی‌اکبر غفاری، اسلامیه.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۲۰۰۳م)، *سنن ابن ماجه*، تعلیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.
- ابی‌داود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق)، *سنن ابی‌داود*، تحقیق هیثم بن نزار تمیمی، بیروت: شرکت دارالارقم.
- ابی‌شجاع دیلمی هدانی، شیرویه بن شهردار (۱۴۰۶)، *الفردوس بمأثور الخطاب*، تحقیق السعید ابن بسیونی، بیروت: دارالکتاب العلمیه.
- اریک فروم (۱۳۸۳)، *هنر عشق و رزیدن*، ترجمه پوری سلطانی، چ ۲۲، تهران: مروارید.
- پاینده، ابوالاسم (بی‌تا)، *ترجمه نهج الفصاحه*، تهران: جاویدان.
- تستری، قاضی نورالله (۱۴۰۶ق)، *احقاق الحق*، قم: مکتبه آیه‌الله نجفی مرعشی.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۳ق)، *دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام و القضايا و الاحکام*، تحقیق آصف بن علی اصغر فیض، مصر: دارالمعارف.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۳ق)، *وسائل الشیعه*، تهران: المكتبة الاسلامیه.
- الحمیری، ابوالعباس عبدالله بن جعفر (۱۴۱۷ق)، *قرب الاسناد*، قم: مؤسسه کوشان پور.
- راس آلن، ا. (۱۳۷۸)، *روان شناسی شخصیت*، ترجمه سیاوش جمال فر، تهران: روان.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۸۶ق)، *علل الشراعی*، نجف: المكتبة الحیدریه.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین (بی تا)، *من لا یحضره الفقیه*، به تحقیق علی الکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، ترجمه سید ابراهیم میر باقری (۱۳۶۵)، تهران، فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تحقیق محمد جواد فقیه (۱۴۱۳ق)، بیروت، دارالاضواء.
- الطیرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، *المعجم الکبیر (احادیث اهل السنه قرن ۴)*، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.
- فیض کاشانی، محسن (۱۳۳۹ق)، *المحجّه البیضاء*، تهران، مکتبه الصدوق.
- قمی، شیخ عباس (بی تا)، *سفینه البحار*، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، *اصول الکافی*؛ تهران، المكتبة الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، *الفروع من الکافی*، تهران، المكتبة الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمّدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، *میزان الحکمه با ترجمه فارسی*، قم، دارالحديث.
- محمودی، محمد باقر (۱۳۷۶)، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، تصحیح عزیز آل طالب، تهران، وزارت ارشاد.
- مزلو، آبراهم ایچ، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه رضوانی (۱۳۷۶)، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، تهران، صدرا.
- منصور، محمد (۱۳۵۶)، *روان شناسی ژنتیک*، تهران، چهر.

نسائی، احمد بن علی (بی تا)، سنن نسائی، شرح عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی و
محشی محمد بن عبدالعادی السندی، بیروت، دارالعلم.
نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت لأحياء
التراث.
وزّام، ابن ابی فراس، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه وزّام)*، بیروت، دارالتعارف
و دارالصعب.